

کارگران همه کشور را متحد شوید!

رفیق بهروز افشاری زیر شکنجه به شهادت رسید



هر شب ستاره ای به زمین می کشند و بار
این آسمان غمزه غرق ستاره هاست

خبر رسید که رفیق بهروز افشاری یکی
دیگر از فرزندان رنج دیده و بیکارگر حزب
توده ایران زیر شکنجه به قتل رسیده است.
از ۲۵ مرداد ۶۴ که رفیق بهروز به چنگ
بقیه در ص ۶

جنگ در خدمت "سروری استراتژیک" آمریکا!

جنگ مردم خوار و زندگی شکن ایران و عراق میدان را برای "سروری
استراتژیک" ایالات متحده آمریکا و هندستان مکارش، بویژه بریتانیا
و فرانسه، بر اقیانوس هند و خلیج فارس باز کرد. غرض سهمگین تویها
در مرزهای دو کشور در واقع چنان برک برنده ای بود که به چنگ
انحصارهای نظامی آمریکایی افتاد. ایالات متحده که خود زمینه ساز
جنگ بود، به دستاویز حفظ "منافع حیاتی" خود و "بازنگهداشتن خلیج
فارس" و انگیزه سلطه بر منابع عظیم ثروت و کنترل خلقهای منطقه سی
میلیارد دلار سرمایه گذاری کرد. بنا به نوشته روزنامه "پیپلز دیلی
ورلد" آمریکا با اختصاص ۲۰ درصد بودجه "دفاعی" سالانه خود، افزایش
قوا و اعزام نیروی عملیاتی ویژه به اقیانوس هند، یکی از نیرومندترین
تشکیلات نظامی جهان، یعنی فرماندهی مرکزی زانزمان داد و زتسا
خلیج فارس را "منطقه استراتژیک" اعلام کرد. نیروی "اقدام سریع"
به تعداد ۳۰۰ هزار نفر و ناوگانهای ششم و هفتم ایالات متحده در اختیار
این فرماندهی قرار
بقیه در ص ۲



شماره ۱۲۹ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۱۳۶۵/۸/۲۹
بها ۲۰ ریال

تظاهرات ۲۰ هزار نفری زحمتکشان در مشهد

"عدالت عدل علی، برابری، برادری"
"عدالت عدل علی، برابری، برادری"

این شعاری بود که در هفتم مهرماه بر زبان
قریب به ۲۰ هزار نفر مردم زحمتکش مشهد
جاری شد. تظاهرکنندگان در حالی که بسوی
استانداری حرکت می کردند مشتای گره
شده خود را نشان می دادند و خواهان برادری
و برابری بودند.

در این روز دارندگان وانت با راهای پلاک
قرمز و پلاک سفید که طبق تصمیم دولت از
دریافت سهمیه کافی بنزین محروم شده بودند
تصمیم به راه پیمایی و اعتراض گرفتند و به
تدریج بخش بزرگی از مردم به ستوه آمده
از شرایط موجود مشهد، در همدردی با
دارندگان وانت به صفوف آنها پیوستند.

گروهی از عوامل رژیم کوشیدند تا با رخنه
در میان جمعیت شعارهای انحرافی بدهند. در
یک قسمت شخصی بالای بلندی رفت و با
سخنرانی و طرح شعار "مرگ بر صدام" و
"مرگ بر آمریکا" کوشید تا تظاهرکنندگان
را از طرفداران "صدام" و آمریکا قلمداد
کند. دارندگان وانت باز او را پایین
کشیدند و گفتند این خانها دیگر رنگی
ندارد. ما حقمان را می خواهیم. ما بنزین
می خواهیم.

در جریان تظاهرات - که بتدریج گروهی
از رانندگان، گردانندگی آن را به عهده
گرفته بودند - از سه دستگاه بلندگو شعار
پخش می شد. برای آن که شخص شعاردهنده
بقیه در ص ۲

مبارزه کارگران برای قطع فوری جنگ و اخراجها

اخراجهای گسترده ای که از یک سال پیش در
تمام واحدهای تولیدی و خدماتی کشور انجام
می شود، به شدت سطح زندگی کارگران و
زحمتکشان را کاهش داده و بسیاری از خانواده ها
را به مرز نابودی کشانده است. اخراجها هم از
نظر مادی و هم از نظر روانی، چه بر کارگران
اخراجی در بیرون از واحدهای کار و چه بر
کارگران و زحمتکشان شاغل، فشار بی حدی وارد
می کند.

کارگران و زحمتکشان بدرستی این اخراجها
را به ادامه جنگ مربوط می کنند و رژیم جمهوری
اسلامی را به عنوان مسبب آن محکوم می کنند.
حزب توده ایران ۴ سال پیش، پس از فتح
خرمشهر، به توده های مردم و همچنین حاکمیت
جمهوری اسلامی هشدار داد که ادامه جنگ پس از
این مرحله به زیان کشور و به سود هدفهای
ارتجاع و امپریالیسم خواهد بود. حزب ما
بدرستی مرحله جدید جنگ را غیر عادلانه دانست
و به همین دلیل نیز مورد یورش حیوانی رژیم
قرار گرفت. امروز با به بن بست رسیدن هرچه
بیشتر جنگ و آشکار شدن عواقب مخرب آن که
صدها هزار انسان و میلیاردها تومان از ثروت
های کشور را به نابودی کشانده است، صحت
گفتارهای ما برای کارگران و زحمتکشان روشن
تر می شود.

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها با ادامه جنگ به
بحران اقتصادی دامن می زند و کارگران و
زحمتکشان بیشتری را از کار بی کار می کند،
بلکه می کوشد تا همین کارگران را نیز میزبم تصور
جنگ کند. در ماههای اخیر، همراه با تبلیغات
گوش خراش رژیم مبنی بر رفتن "داوطلبانه"
بقیه در ص ۶

مبارزه بر سر قدرت تشدید می شود

پیرامون بازداشت گروه "مهدی هاشمی" و ماجرای سفر مک فارلین به تهران

ریگان، هدف دیپلماسی محلی آمریکا حمایت
از "رهبران میانه روی" در ایران است.
سلطنت بر مذهب، هدف مبارت بود از کوشش برای
استقرار رهبران میانه روی حکومت در ایران.

مبارزه بر سر قدرت میان جناحهای گوناگون
در ج ۱۰ ادامه دارد. در این مبارزه که روز بروز
حادتر می شود، کلیه وسائل، حتی خیانت به مصالح
ملی و زد و بند با امپریالیسم خونخوار آمریکا در
خدمت هدف قرار می گیرد.

رویدادهای چند هفته اخیر، از جمله
دستگیری گروه سید مهدی هاشمی، سفر مک فارلین
فرستاده ویژه ریگان به تهران و نیز مذاکرات
سری هیلت نمایندگی ج ۱۰ در لندن با انحصارهای
اسلحه سازی آن کشور، فقط جلوه هایی از این مبارزه
بشمار می روند.

۲۰ مهر ماه وزارت اطلاعات به سرپرستی ری
شهری، سید مهدی هاشمی، سید هادی هاشمی،
شفیق زاده، جلال موسوی و چند نفر دیگر را دستگیر
کرد و در ساختمان مرکزی آن در سلطنت آباد سابق
تحت بازجویی قرار داد.

مقامهای رسمی علت دستگیری را مخالفت این
گروه با سیاست ج ۱۰ در مورد جنگ و مخالفت با
وزارت امور خارجه اعلام کردند. طبق خبرهای
رسیده، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه با
مشارکت یکدیگر پرونده هایی علیه این گروه
درباره قتل شمس آبادی در زمان رژیم سابق و
همچنین شرکت در بازداشت کاردار سفارت سوریه در
تهران، تنظیم کرده اند.

اما واقعت چیست؟ صرف نظر از مواضع سیاسی
اشخاص دستگیر شده، آنچه مسلم است آنها با پیش
شبنامه های وزارت امور خارجه، رفسنجانی و
خامنه ای را به سازشکاری و زد و بند پشت پرده با
امپریالیسم آمریکا متهم کرده بودند. تماس سران
بقیه در ص ۴

شادباش
کمونست های لهستان و فرانسه
در ص ۵

رفیق محمد علی جعفری
راه ما راه بزرگی است که باید تا به آخر پیماییم
در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جنگ در خدمت ...

گرفت و نیز به سلاحهای اتمی بامیزانی بیش از بریتانیا، فرانسه و چین مجهز شد. هزینه ایجاد ناوگروه اقیانوس هند که بزودی آماده خواهد شد ۱۷ میلیارد دلار است.

اکنون دامنه "منطقه" استراتژیک "اعلام شده از جانب ایالات متحده از خلیج فارس بسیار فراتر رفته و اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای عرب و ۱۹ کشور با جمعیتی بالغ بر یک و نیم میلیارد نفر را در بر می گیرد. فرماندهی مرکزی در این منطقه شبکه وسیعی از پایگاههای دریائی، هوائی و تدارکاتی را در بحرین، قبرس، دبه گوگاریا، مصر، کنیا، سومالی، مراکش، عربستان سعودی، ترکیه، جیبوتی و عمان در اختیار دارد. علاوه بر ایالات متحده آمریکا، فرانسه و بریتانیا نیروهای نظامی قابل توجهی را در سطح منطقه مستقر ساخته اند. پنجهزار نفر نیروی بریتانیائی تمرینهای آمادگی فشرده ای در جنگ مالویناس (فالکلند) انجام داده اند و فرانسه نیز نیروهای نظامی ۴۷ هزار نفری خود را هم در لبنان و هم در چاد وارد عمل کرده است. آخرین عملیات نظامی نیروهای فرانسوی دخالت در جریان کودتای خونین در کشور توگو در آفریقای غربی در سپتامبر سال جاری مسیجی بود.

آنچه که خلقهای منطقه را به شدت نگران کرده نض استقلال کشورهای خلیج فارس و تضعیف جنبش غیر متعهد از جانب ایالات متحده آمریکا و متحدان آن است. آنها به خوبی می دانند که ادامه جنگ ایران و عراق بیگمان مهمترین دستاویز انحصارهای امپریالیستی برای حضور نظامی در منطقه و سرکوب جنبش آزادی بخش است. به همین دلیل نیروهای مترقی و در رأس آنها کمونیستها با تمام توان و امکان خود در راه خاموش ساختن شعله های جنگ تلاش می ورزند. تاکنون هیئت های مختلفی برای میانجیگری به دولتهای ایران و عراق مراجعه کرده اند و کوشیده اند تا طرفین را متقاعد کنند که آتش بس بدهند و مسائل فی مابین را پای میز مذاکره حل کنند. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز چه از طریق آگاه ساختن توده های مردم نسبت به پی آمدهای وحشتناک جنگ و ضرورت برقراری یک صلح عادلانه و چه از طریق جلب پشتیبانی بین المللی نیروهای مترقی و خلقها در سطح جهان کوشیده اند تا به این درگیری خونبار پایان دهند. اما از آنجا که سران جنگ طلب رژیم ج.ا. به رهبری خمینی تنها به حفظ موقعیت خود در پناه عفریت جنگ می اندیشند، به موازین بین المللی پایبند نیستند و اصول همزیستی با خلقها را زیر پا می گذارند، این آتش مرگزا روز به روز شعله ورتر می شود. امپریالیستها تلاش می ورزند تا با استفاده از مواضع ارتجاعی رژیم ج.ا. با انگشت نهادن بر مسئله کردها و اختلافهای مرزی، رژیم ارتجاعی ترکیه یعنی یک عضو ناتو را نیز به جنگ بکشانند و در این صورت آشکار است که غائله به کجا خواهد انجامید. در این چارچوب، این پیش بینی را که ادامه جنگ ایران و عراق صلح جهانی را تهدید می کند باید جدی گرفت.

در زمینه داخلی، در حالی که خسارتهای ناشی از جنگ توان مردم را بریده و سر به صدا

تظاهرات ۲۰ هزار نفری ***

شناخته نشود سازمان دهندگان کیسه ای بر سرش انداخته بودند.

در چند نقطه مردم با افرادی که گفته می شد کمیته ای هستند درگیر شدند و از جمله یکی از آنها را که با لباس شخصی قصد دستگیر کردن یکنفر از گردانندگان تظاهرات را داشت به شدت کتک زدند - همچنین در مقابل استانداری یکنفر را که لباس سپاه برتن داشت مضروب ساختند که ماموران شهربانی نجاتش دادند و او را به داخل ساختمان استانداری کشیدند.

ماموران کمیته ها و سپاه که جرات نزدیک شدن به تظاهرکنندگان را نداشتند، خود را از معرکه کنار کشیدند. ماموران شهربانی نیز که در خیابانها بودند از دخالت خودداری کردند.

هنگامی که تظاهرکنندگان به استانداری رسیدند ده دقیقه فرصت دادند که استاندار بیاید و با آنها مذاکره کند. پس از اتمام وقت تعیین شده رئیس شهربانی آمد و با بلندگو از جمعیت خواست که ۵ دقیقه دیگر مهلت بدهند، اما با گذشت این زمان نیز از استاندار خبری نشد. تظاهرکنندگان قطعنامه ای با این مضمون صادر کردند که اگر تا امشب (هفتم مهر) به ما کوپن بنزین ندهند، فردا هیچ وسیله بنزینی کار نخواهد کرد (یعنی نخواهیم گذاشت که کار کند). نظیر این تظاهرات در تهران، ساری، تبریز، شیراز و چند شهر دیگر نیز به وقوع پیوست. گزارش مبارزه رانندگان وانت بار تهران، در خبرجلاگانه ای در این شماره "نامه مردم" آمده است.

همان روز دولت ناگزیر از عقب نشینی شد و در ساعت ۲ بعد از ظهر بوسیله رادیو اعلام کرد که به وانتهای پلاک قرمز و پلاک سفید روزانه ۱۵ و ۱۰ لیتر سهمیه بنزین داده خواهد شد.

این تظاهرات و اعتراض ها، صرف نظر از ارزشی که پیرویشان برای پیشرفت جنبش توده ای داشت، از ضعف های همیشگی حرکات

میلیارد دلار می زند و می رود که چرخ تولید و پیشرفت کشور را بکلی از حرکت باز دارد و با وجود آن که نفرت توده های محروم و زحمتکش از جنگ که همه هستی خود را از دست رفته می بینند و هر روز با فجایع جدیدتری روبرو می شوند به اوج خود رسیده، باز هم می بینیم که رژیم ج.ا. بر مواضع غیر انسانی خود پافشاری می کند. رفسنجانی، رئیس مجلس و به اصلاح رسانه های گروهی امپریالیستی "مرد شماره ۲ ایران" در خطبه های نماز جمعه دوم آبان، در حالی که خود به درستی می داند که مردم از جنگ به تنگ آمده اند، با وقاحت اعلام می دارد: "شرایط عمومی جبهه ها به نظر ما امروز در بهترین حالت گذشته جنگ است. معمولاً مادر این جنگ روند تکاملی داشته ایم ولی در نیم سال دوم به نظر ما شرایط جبهه به چشم می خورد و یک تفاوت کیفی در افق دیده می شود. از لحاظ خطوط و جبهه ها در طرف ما بهترین شرایط وجود دارد. از لحاظ تجمع

خود بخودی مردم برخوردار بودند. اینک که جنبش مردم دوباره روبه اوج است، انقلابیون باید در راه تعالی آن کوشش خود را ده چندان کنند:

- باید با تمام توان کوشید تا تظاهرات زحمتکشان از اشکال خودیوبه اشکال سازمان یافته ارتقا، یابد.

- باید با طرح شعارهای درست و واقع بینانه بر اساس خواسته های طبقاتی زحمتکشان، راه را بر شعارهای انحرافی بست.

- باید برای شناسا ماندن هسته های مخفی در جریان سازماندهی زحمتکشان همواره اصل تلفیق کار علنی و مخفی را در نظر داشت و در این راه متناسب با شرایط خلاقیقت نشان داد.

نتیجه پیکار دارندگان وانت بار در تهران

در پی چیره بندی بنزین، صاحبان وانت پلاک سفید مقابل نخست وزیری جمع شدند و علیه چیره بندی شعار دادند. برای این انتها سهمیه ای برابر ماشین های سواری در نظر گرفته شده بود. مسئولان که غافلگیر شده بودند در اثر فشار دارندگان وانت پلاک سفید ناگزیر از تسلیم شدند و فردای آن روز از رادیو اعلام کردند که سهمیه آنان از روزی دو لیتر به روزی ۱۵ لیتر افزایش یافته است. دارندگان وانت سه چرخ نیز دست به اقدام مشابه زدند ولی شماری از عوامل رژیم بار خنده در میان آنها دست به تفرقه افکنی زدند و با وجود آوردن درگیریهای بی دلیل مانع شدند که این زحمتکشان به هدف خود برسند.

باید یاد آوری که زحمتکشان هدایتشان کرد تا تفرقه افکنان را از خود برانند و از مسیر اصلی مبارزه منحرف نشوند.

کارگران مبارز! برای دستیابی

به خواسته های صنفی و سیاسی

خود، متشکل و متحد شوید

نیرو و تنظیم فرماندهی و کادرها، امکانات لجستیکی، ابزار جنگ، اطلاعات و آن مجموعه ای که پیروزی موثر در جبهه ما لازم است، از طرف ما الان مطلوب است و روز به روز دارد بهتر می شود" (اطلاعات، ۴ آبان ۶۵).

مردم میهن مادر طول این سالها روزی نیست که چنین لاف و کزافهای را از زبان سخنگویان ریز و درشت رژیم نشنوند. هارت و بیورتهای سران رژیم موجب پوزخند و تمسخر توده ها شده و هزارها لطیفه و جوک درباره آنها ساخته اند. اینها همه از سوئی دلیل بر عدم اعتماد به سران رژیم و از سوی دیگر دلیل بر خشم جوشنده مردم است که چنان آشفته شانی سرباز خواهد کرد. امروزه در گوشه و کنار کشور موج مقاومت در برابر رژیم بویژه در زمینه مخالفت با ادامه جنگ شکلی علنی یافته است که اگر با آگاهی و شناخت درست توأم و سازماندهی شود، می تواند زمینه ساز سرتوئی رژیم باشد.

رفیق محمد علی جعفری

راه ما راه بزرگی است که باید تا به آخر پیمائیم

"با توجه به محترمانه پیرونده و دلائل موجود در آن وثائق دلیلی کافی که دلالت بر توبه ایشان (محمد علی جعفری) نماید رای هیئت تجدید نظر مذکور منطبق با مقررات قانون بازسازی است و شکایت بیوجه و مردود است. این رای لغوی است"

(قسمتی از رای شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری به ریاست سید مرتضی قزوینی)

همیشه می گفت: "اول باید انسان بود، بعد توده ای". می گفت: "راه ما راه بزرگی است که باید تا آخر پیمائیم" و او این راه را پیمود.

(همسر محمد علی جعفری)

برای بزرگداشت هنرمند فقید محمد علی جعفری آئین باشکوهی با حضور همسر و دخترش و جمعی از هنرمندان، مهاجران سیاسی و علاقمندان در سالن نمایش دانشگاه کلن برگزار شد. در این مراسم اولین سخنران درباره "ارزشهای انسانی، سیاسی و هنری محمد علی جعفری سخن گفت و طی اعلانهای "حکومت جمهوری اسلامی و شخص خمینی" را منسب اصلی قتل این هنرمند بزرگ میهنمان اعلام کرد. در این اعلانها از همه هنرمندان جهان، فرهنگ آفرینان، فرهنگ دوستان و همه مردم کیتی طلب شده است که علیه رژیم که زیرنام مذهب و دین از جمله هنرمندان راه قتل می رساند، ه ۱۰ شوند. سخنران بعدی که یکی از همکاران جعفری بود در سوگ او سخنانی گفت و ضمن اشاره به جنایتهای ج ۱۰، از جمله به مرگ دردناک محمد تقی کهنمویی و شهادت سعید سلطانیور اشاره کرد.

در آئین یاد شده، همسر ستم دیده محمد علی جعفری درباره "جریان دستگیری، آزادی و مرگ شوهرش سخنانی ایراد کرد که از سوئی نشانگر سببیت نیروهای فشار و شکنجه در ج ۱۰ و از سوی دیگر بیانگر پایمردی و ایمان توده ای هنرمندی بود که راه بزرگ خود را تا آخر پیمود:

"به خانه ما حمله کردند. حدود ساعت ۸ بود. همه خانه را بهم ریختند. همه چیز را زیرورو کردند و به من و همسرم توهین کردند. همسرم از این که پاسدارها به من و فرزندانم توهین می کردند رنج می کشید. به پاسدارها می گفت: "اگر می خواهید مرا بفرید، بفرید، چرا به همسرم توهین می کنید". وقتی او را می بردند به من گفت: ناراحت نباش. من برای راهی که انتخاب کرده ام آماده هر کاری هستم. فردای آن روز به من تلفن کردند که شوهر شما کجاست؟ بهتر است جای او را بگوئید تا دستگیرش کنیم. من گفتم: او را دستگیر کرده اید و برده اید. چه بلائی به سرش آورده اید که حالا او را از من می خواهید؟ این بازی چند ماه ادامه داشت. تا اینکه یک پاسدار به من گفت: اگر سه شنبه ما به اوین مراجعه کنیم نام او را خواهند داد. ۲۷ هفته، هر سه شنبه مراجعه کردم، تا این که بالاخره گفتند که او در زندان است، ولی چون پیرونده اش کامل نیست ملاقات نمی دهیم. فردای آن روز تلفن کردند که بیاید برای ملاقات. هنگام ملاقات جسم بهم نهاده شوهرم را دیدم. از پشت شیشه و با تلفن می توانستیم با هم حرف بزنیم. او را به قصد کشت

بماند" شوهرم می گفت: "در زندان فقط یک ضعف نشان دادم: در برابر توهین به همسر نمی توانستم خودداری کنم و به آنها پرخاش می کردم. آنها هم از این ضعف سو استفاده کردند و بارها تو را مورد توهین قرار دادند". همسر من افتخار داشت که ۴۴ سال عضو حزب توده ایران بوده، همچنین عضو هیئت اجراییه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران بود و به همین علتها دستگیر و محکوم شد. او همیشه می گفت: "اول باید انسان بود، بعد توده ای". می گفت "راه ما راه بزرگی است که باید تا آخر پیمائیم" و او تا آخر پیمود. او انسان بود برای انسانیت مبارزه می کرد."

در این آئین، فتوکپی سندی دست به دست می گشت که دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی در تأیید عدم توبه محمد علی جعفری از عضویت در حزب توده ایران و شورای نویسندگان و هنرمندان ایران صادر کرده است. قسمتی از این سند عیناً کلیشه می شود.



شماره پرونده: ۶۴/۴/۱

تاریخ: ۱۳۶۵/۸/۲۹

مرجع صادر کننده رای: شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری مرکز تهران

آقای سید مرتضی قزوینی - رئیس

آقای یوسف بزادی - منشی

شأن: آقای محمد علی جعفری فرزندان طی مقیم نیویورک - خیابان مردمان کویا کویا شماره ۱ - نیویورک

لطف نگاه دارید - هیئت بازسازی وزارت ارشاد اسلامی

خواسته: اعتراض به ابطال رای

ملاحظه شکایت - شکای در تاریخ ۶۴/۱۱/۷ داد - و اجتناب به دیوان عدالت اداری تقدیم و پیگیری

در سر راه انقلاب اسلامی ایران - شرح نامه شماره ۶۴/۲/۱۹۷۲ - ۱۹۷۲/۲/۱۹ - نتایج را در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۲۹

شخص اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز واریال ملاذ "حاکم است که مشارالیه (باتمام عضویت در حزب) احادی کرده و فعالیت در حوزه های حزبی (و کانون نویسندگان و هنرمندان) وابسته به حزب توده می باشد

حسین محکوم با جرایم مشابه همین واحد در سال ۱۳۶۵ درباره او مبتنی نموده است. با توجه به محتویات پرونده

در دلائل موجود در آن وثائق دلیلی کافی که دلالت بر توبه ایشان نماید رای هیئت دادر در تاریخ مذکور

منطبق با مقررات قانون بازسازی است و شکایت بیوجه و مردود است. این رای لغوی است. تا

رئیس شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری سید مرتضی قزوینی

دو هفته رای در این شعبه صادر شد

محمد علی جعفری

دیوان عدالت اداری

پیرامون بازداشت گروه...

رژیم با امپریالیسم آمریکا که با ورود اخیر مک فارلین به تهران افشا شد، موید آن است که بازداشت گروه مهدی هاشمی در ارتباط مستقیم با زد و بند پشت پرده رژیم با امپریالیسم آمریکا و زائیده اختلاف میان جناحهای گوناگون در حاکمیت است.

وجود اختلاف میان این جناحها مسئله جدیدی نیست. اختلاف در برخورد به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... از روز نخست پس از دستیابی به حاکمیت در میان روحانیون حاکم وجود داشت. این اختلاف نظر در مجلس خبرگان مامور تدوین قانون اساسی آشکارا به چشم می خورد و بازتاب آن را در اصول قانون اساسی نیز می توان دید.

آنچه که در این میان تازگی داشت، اعلام علنی وجود دو جناح عمده در حاکمیت از جانب رفسنجانی بود. وی گفت، هر دو جناح معتقد به اسلام هستند، اما جناحی طرفدار بخش خصوصی و جناح دیگر طرفدار بخش دولتی است. البته، رفسنجانی کوشید تا موضوع اختلاف را محدودتر جلوه گر سازد. حال آنکه هر دو جناح عمده، در عین دفاع از موجودیت رژیم ج.ا.، در کلیه عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی تعبیری تفسیر اصول و موازین فقهی اختلافهای عمیقی دارند و هر یک از آنها برای قبضه کردن انحصاری حاکمیت از هیچ وسیله ای برای افشا دیگری فروگذار نمی کنند.

افزون بر مقاله های افشاگرانه ای که در مطبوعات هواداران این جناحها علیه یکدیگر منتشر می شود، در ماههای اخیر انواع شننامه ها علیه رفسنجانی، خامنه ای، منتظری، موسوی و دیگر گردانندگان اصلی رژیم در تهران و دیگر شهرستانها پخش گردید که بیانگر ژرفای اختلاف میان جناحهاست. طبیعی است که این اختلافها بازتاب مبارزه طبقاتی در بین جامعه است و به همین دلیل نمودهای آن در سراپای دستگاه حکومتی، از ارتش و سپاه و کمیته ها و نهادها تا هرم حاکمیت دیده می شود.

خمینی که از سالها پیش نظاره گر این اختلافهاست، برای بهره گیری از آنها در جهت حفظ رهبری مطاب خود تاکنون کوشیده است که با درپیش گرفتن سیاست "یکی به نعل و یکی به میخ"، جناحهای گوناگون را بنام "حفظ اسلام" آشتی دهد.

چنانکه می دانیم یکی از موارد مهم اختلاف، مسئله جانشینی خمینی بود. گرچه از مدت ها پیش منتظری عملاً نقش جانشین وی را ایفا می کرد، با وجود این برای پایان دادن به بحث پیرامون این مسئله، در آذر ماه سال گذشته مجلس خبرگان منتظری را به عنوان رهبر آینده انتخاب کرد. خمینی نیز با تأکید بر اینکه تصمیم خبرگان "تقویت رهبری" است به این انتخاب صحنه گذارد.

اما، بلافاصله پس از این انتخاب روشن شد که عده زیادی از روحانیون (گروه کلیایکاتی، گروه حججیه و افرادی چون خامنه ای و غیره که خود را داعیه رهبری داشتند) به این انتخاب تن نخواهند داد.

رفسنجانی به عنوان نائب رئیس مجلس

خبرگان در مصاحبه مطبوعاتی پیرامون چگونگی انتخاب منتظری گفت، پنجاه نفر از خبرگان طرحی به جلسه دادند که در حال حاضر مردم منتظری را "به عنوان رهبر آینده" انتخاب کرده اند. وی با تأکید روی این مسئله که پیشنهاد مزبور "مورد بحث قرار گرفت که یک بحث طولانی بود و سه جلسه ادامه داشت" ("جمهوری اسلامی" ۶ آذر ۶۴)، در واقع مسئله "انتخاب مردم" رازبر سوال برد. باید خاطر نشان ساخت، متن پیشنهادی که طبق آن منتظری به عنوان "رهبر آینده" انتخاب شده بود، مدت ها برای خمینی و منتظری فرستاده نشد. گرچه رفسنجانی علت این امر را غیبت چند تن از اعضا، مجلس خبرگان اعلام کرد، اما تظاهراتی که در قم و تبریز و اصفهان و دیگر شهرها موافق و مخالف این انتخاب برپا شد، موید ادامه اختلاف میان جناحهای گوناگون بود.

منتظری، پس از انتخاب شدن برای تحکیم موقعیت خود به جناح صاحبان قدرت اقتصادی نزدیک شد. گفته های وی پیرامون ضرورت سپردن سرنوشت مردم به دست بخش خصوصی، یعنی سرمایه داران، در تأیید شعار خمینی دایره به "سپردن کار مردم به مردم"، تبلیغ ضرورت رقابت آزاد و بازار آزاد برای "بروز ابتکار شخصی"، مخالفت با قیمت گذاری دولتی، دعوت از سرمایه داران فراری برای بازگشت به کشور، اصرار در دادن امکان فعالیت به لیبرالها در عین مخالفت با انتشار "افکار مارکسیستی" و غیره، موید نظر ماست.

بدینسان اختلاف در هرم حاکمیت و بدنه آن نه تنها با انتخاب منتظری حل نشد، بلکه بیش از پیش تشدید شد. این امر خمینی را نگران کرد. او، روز تولد امام رضا روی این اختلاف فراگیر انگشت گذارد و گفت: "حفظ جمهوری اسلامی یک فریضه است بر همه... نه همین شما، نه همین سپاه و ارتش، نه همین قوای مسلحه ما، همه ایران، همه افراد ایران، از روحانیون گرفته تا بازاریها تا مجلس، تا همه جا" ("جمهوری اسلامی"، ۲۱ تیر ۶۵).

۶ مرداد ماه، روزنامه "جمهوری اسلامی" زنگ خطر را بصدار آورد و نوشت: "متأسفانه باید به این واقعیت تلخ اعتراف کنیم که در سالهای اخیر عوامل شیطان با همین چهره مذهبی توانسته اند به تفرقه و اختلاف میان جناحها دامن بزنند و مشکلات زیادی از همین طریق بوجود آورند... هنگامی که دو جناح مذهبی طرفدار انقلاب با سوابق خوب و وضعیت روشن فعلی با همدیگر اختلاف دارند، نمی توان یکی را حق و دیگری را باطل دانست."

هدف از این برخورد سطحی پرده پوشی مضمون و محتوی اختلاف میان جناحها بود. چند روز قبل از این "تحلیل" روزنامه "جمهوری اسلامی"، عیسی والا ئی ضمن سخنرانی در مجلس شورای اسلامی عق اختلاف را چنین بیان کرد: "... تا کی باید شاهد تکفیر کردنها بود که یک دسته بگوید جناح مقابل رساله را قبول ندارد، فقامت سنتی را مردود می شمارد و اصول را اسلامش باید شک کرده دسته دیگر فریب دهنده بزند که آنها آب در آسیاب دشمن می ریزند و روش غربی را ترویج می کنند و تا کی باید این دو گونه برداشت از اسلام را به دو نوع

سلیقه تعبیر کنیم". او به وجود اختلاف در "مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی" اشاره کرد و نتیجه گرفت که "تا این دو طرف تفکر وجود دارد از مجلس کاری ساخته نیست، دلیلش لوایح و طرحهای گوناگونی است که می دانید به چه سرنوشتی مبتلا شده اند" ("کیهان" ۲۵ تیر ۶۵).

تشدید روز افزون مبارزه میان جناحها بر سر قدرت و بازتاب گسترده آن در مطبوعات طرفین مخصوصه، خمینی را بر آن داشت تا به حزب تهدید متوسل گردد. او در ۸ شهریور ماه ضمن سخنرانی در حضور اعضا، دولت و خامنه ای و اعضا، دفتر ریاست جمهوری، صریحاً گفت اگر "یک وقت انسان نبیند که می خواهد یک کسی اسلام را تضعیف کند" و "بعضی، نادر هست الان که از روی ادراک می خواهند لطمه بزنند و شناسائی هم ممکن است شده باشند"، آنوقت یک وضع دیگری پیش می آید، این جور نیست که همه اش نصیحت باشد و ملامت باشد. یک مسئله دیگری پیش می آید. خمینی به سران رژیم گفت "دستهایتان را یک قدری نگهدارید، قلم هایبانتان را یک قدری نگهدارید، توجه بکنید به این امر که هر چیزی نباید نوشته شود. هر چیزی نباید منتشر بشود" ("اطلاعات"، ۹ شهریور ۶۵).

روز بعد ارگان حزب جمهوری اسلامی در تفسیر سخنان خمینی نوشت: "سخنان دیروز امام در واقع یک قدم دیگر به جلو برای تنبیه کسانی است که حرمت قلم را حفظ نمی کنند. این روزنامه، بویژه به انتشار شننامه ها با امضا، اسامی حوزه علمیه قم علیه رفسنجانی اشاره کرد. در این شننامه ها سرمایه داران و حامیان ستمگران و سودجویان افشا می شوند.

رویدادهای بعدی نشان داد که حنای خمینی دیگر رنگی ندارد. بازداشت گروه مهدی هاشمی و متعاقب آن افشا، تماس ۱۸ ماهه برخی از سران رژیم با امپریالیسم آمریکا، اختلاف میان جناحها را به نقطه غلیان کشاند.

"نامه مردم" در تفسیر مسافرت فرستاده ویژه ریگان به تهران نوشت که این مسافرت بدون مشورت با سران عالیترتبه ج.ا. نمی توانست تحقق یابد. خبرهایی که در این روزها پیرامون بازدید مک فارلین از تهران در مطبوعات جهان انتشار یافته، صحت این نظر را به ثبوت می رساند.

روزنامه انگلیسی "ساندی تلگراف" می نویسد که قبل از مسافرت مک فارلین به تهران مذاکرات مفصلی میان نمایندگان دولت آمریکا و نمایندگان نیروهای مسلح ایران در لندن در جریان بوده است. از دیگر خبرها چنین بر می آید که مذاکرات مستقیم میان تهران و واشنگتن از ۱۸ ماه پیش در پایتخت های کشورهای اروپای غربی در جریان بوده و در این مدت ایالات متحده آمریکا یه کی های مورد نیاز رژیم ج.ا. را از طریق بنادر دانمارک، پایگاه آمریکا در فیلیپین و همچنین توسط اسرائیل تأمین می کرده است. روزنامه "الشراع" چاپ لبنان می نویسد، واشنگتن یه کی های مورد نیاز هواپیما و تانکا و رادارهای آمریکائی در اختیار ارتش ایران را بوسیله چهار هواپیمای "سی-۲۰" از پایگاه های آمریکائی در فیلیپین به تهران ارسال داشته است. خود مک فارلین نیز دست

احزاب برادریه حزب توده ایران

شادباش می گویند:

شادباش حزب متحد کارگری لهستان

مبارزه حزب شماستایش

جهانیان را برانگیخته است

بنسابت چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران در دهه های برادرانه و شادباش های قلبی خود را تقدیم می داریم.

حزب شما با مبارزه بس دشوار خود در راه آزادی ملی، پیشرفت و عدالت اجتماعی ستایش و احترام همه نیروهای مترقی جهان را برانگیخته است.

حزب شما، که مواضع خود را پیوسته بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و همبستگی انترناسیونالیستی استوار ساخته است، گردان مهمی در جبهه ضد امپریالیستی بشمار می رود.

کمونیست های لهستان و زحمتکشان کشور ما پشتیبان بیکار شما با ارتجاع و تاریک اندیشی هستند.

رفقای عزیز، در این جشن حزبتان، در دهه های صیمانه حزب متحد کارگری لهستان را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان

شادباش حزب کمونیست فرانسه

مادر کنار شما هستیم!

رفقای عزیز،

در دهه های برادرانه و دوستانه حزب کمونیست فرانسه را بنسابت چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزبتان بپذیرید.

سرتکونی رژیم سلطنتی در ۱۹۷۱ در مردم کشورتان امیدهای فراوانی را برانگیخت، امیدهایی، که امروزه به یاس عمیق بدل شده است. رژیم ایران وعده های دمکراسی، استقلال و پیشرفت اجتماعی را پس گرفته است. در کشور شما، شکنجه و خودکامی بصورت روزمره درآمد است و حقوق بشر بطور مداوم نقض می شود.

کمونیستهای فرانسه باردیگر همبستگی خود را با مردم ایران اعلام می دارند. آنها در مبارزه شجاعانه حزب شما و دیگر نیروهای دمکراتیک در راه آزادی، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی، استقلال و پایان جنگ میان ایران و عراق، در کنارتان خواهند بود.

حزب کمونیست فرانسه باردیگر به شما درود می فرستد و همبستگی کامل و آتشین خویش با شما را یادآور می شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

معینی را تعقیب می کرده و کوشش برای احیای مواضع از دست رفته امپریالیسم آمریکا در ایران یک جانبه نبوده است.

ریگان در برنامه تلویزیونی خطاب به مردم آمریکا اعتراف کرد که طی ۱۸ ماه گذشته، او به اعمال دیپلماسی مخفی با ایران پرداخته است. او همچنین به ارسال اسلحه به ج. ا. اعتراف کرد. ریگان گفت که مشاور امنیتی پیشین او در امور امنیت ملی امسال برای انجام مأموریت مخفی به تهران رفته است. او تاکید کرد که مک فارلین برای گسترش تماسهای دو کشور ۴ روز در تهران مشغول مذاکره بوده است.

ریگان پس از تذکر "اهمیت استراتژیک" ایران، خاطر نشان کرد که تماسهای مخفی آمریکا و ایران در ۱۸ ماه گذشته در جهت منافع ملی ایالات متحده آمریکا بوده است.

۱۲ نوامبر، "اوربان پورتر" خبرنگار بی بی سی در واشنگتن از قول یکی از منابع که فقط اجازه داده بود از او به نام یکی از اعضا، سنا، متخصص در امور اطلاعاتی (جاسوسی) نام برده شود، خبر داد: ریگان در جلسه محرمانه با اعضا کنفرانس آمریکا گفته که همه این عملیات به منظور بهبود مناسبات با عناصر میانه رو در حکومت انجام شده است.

مشابه این نظر را سناتور محافظه کار آمریکائی "هیلتج" در مصاحبه با "سی بی اس" مطرح کرد. او آشکارا گفت: "هدف عبارت بود از کوشش برای استقرار رهبران میانه روی ایران در حکومت".

اعتراف رجائی خراسانی نیز مبنی بر اینکه "تماسهای بین ایالات متحده آمریکا و ایران صورت گرفته" و "ایران محموله های اسلحه آمریکا در دریافت کرده است" تأیید کننده این واقعیت است.

چنین است هدف "دیپلماسی مخفی" امپریالیسم آمریکا که حاضر نیست به "از دست دادن" ایران تن در دهد. ایران، کشوری که به نوشته "نیویورک تایمز" دارای "اهمیت استراتژیک فوق العاده" در منطقه نفت خیز خلیج فارس است.

بحران عمیقی رژیم ج. ا. را فرا گرفته است. آنانیکه می کوشند با جلب حمایت امپریالیسم آمریکا موقعیت خود را در حاکمیت تحکیم کنند، سخت در اشتباهند. آیا امپریالیسم آمریکا با وجود حمایت بی چون و چرا توانست رژیم شاه را حفظ کند؟ مبارزه زحمتکشان کشور ما علیه رژیم ضد خلقی، تا سرتکونی آن ادامه خواهد یافت. هیچ نیروئی را برای مقاومت در برابر اراده خلق نیست. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ بار دیگر این واقعیت را به ثبوت می رساند.

تردید نیست که هم حادثه دستگیری مهدی هاشمی و یارانش و هم ماجرای مک فارلین که هر دو ریشه در مبارزه بر سر قدرت دارد، اختلاف میان جناحها را شدیدتر خواهد کرد. جناح "بنیاد رسالت" - جناح قدرتمند در حاکمیت - پنهان نمی کند که اختلافات موجود فقط با نابودی یکی از طرفین قابل حل است. اما این جناح فراموش می کند که سخن آخر با مردم ایران است.

خالی به تهران نیامده بود. او حامل پیام ریگان به سران ج. ا. دایره به بهبود روابط میان دو کشور بود. جالب این که فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا حامل کتاب "انجیل" با امضا ریگان برای سران رژیم بود. مهمتر از همه اینکه هواپیمای مک فارلین پر از لوازم یدکی ضروری برای هواپیماهای آمریکائی مورد استفاده نیروی هوائی ایران نیز بود.

گفته های رفسنجانی در نماز جمعه تهران، دایره بر اینکه گویا ج. ا. لوازم یدکی مورد نیاز هواپیماهای آمریکائی مورد بحث را از دلان اسلحه می خرد، با واقعیت وفق نمی دهد. وی، همچنین کوشید تا تماس سران رژیم با امپریالیسم آمریکا را پدیده پوشی کند. این اظهارات رفسنجانی با گفته های وی در توضیح سفر مک فارلین به ایران که قبلاً توسط خبرگزاری ج. ا. پخش شده بود، در تضاد آشکار قرار داد.

رفسنجانی در این توضیح خاطر نشان ساخت که وی قبلاً نامه ای از نخست وزیر ژاپن دریافت کرده بود. در این نامه از رفسنجانی خواسته شده بود تا از "نفوذ جمهوری اسلامی" برای آزاد کردن گروگانهای آمریکائی در لبنان استفاده کند. رفسنجانی در پاسخ به نخست وزیر ژاپن خاطر نشان ساخته بود که اگر ایالات متحده آمریکا سلاحهای خریداری شده در زمان شاه را به ج. ا. تحویل دهد، تهران برای آزادی گروگانهای آمریکائی اقدام خواهد کرد.

اظهارات رفسنجانی موبد آن است که او و یارانش نه تنها از مسافرت مک فارلین باخبر بوده اند، بلکه خود با امپریالیسم آمریکا تماس داشته اند. ناگفته نماند که این اولین مسافرت مک فارلین به ایران نبوده است. نتیجه مسافرت قبلی وی به تهران آزادی سه نفر از گروگانهای آمریکائی در لبنان در مقابل چهار محموله تجهیزات نظامی بوده است.

رفسنجانی بیهوده می کوشد تا خیانت سران مرتجع ج. ا. به مصالح ملی در زمینه تماس پشت پرده با امپریالیسم آمریکا و سازش با آن را به مثابه "گدائی آمریکا برای مذاکره با ج. ا." عرضه کند. سران واپسگرای ج. ا. مدتهاست که در صدد جلب "عطوفت" امپریالیسم آمریکا هستند. یورش فاشیستی به حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی و دمکراتیک، نخستین گامی بود که حکام ارتجاعی ج. ا. در این راه برداشتند.

در شهریور ماه سال جاری رفسنجانی در مصاحبه ای با روزنامه "مصری الشعب" درباره بهبود روابط آینده ایران و آمریکا اظهار خوش بینی کرد. در همان روزها "انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران" با صدور بیانیه ای واکنش شدیدی در مقابل این اظهارات رفسنجانی نشان داد و غیر مستقیم خاطر نشان کرد که هدف از اینگونه نثرها "زوال خشم و کینه انقلابی ملت مسلمان نسبت به آمریکای جهانخوار" است ("کیهان" ۱۷ شهریور ۶۵).

اکنون پس از افشا مأموریت مک فارلین و بیوزنه سخنرانی تلویزیونی ریگان (۱۲ نوامبر ۱۹۸۶)، برای همگان روشن است که رفسنجانی هدف

مبارزه کارگران برای قطع...

کارگران و زحمتکشان به جبهه‌ها، فشار جهت اعزام اجباری آنها در واحدهای صنعتی شدت گرفته است.

در برخی از واحدهای بزرگ صنعتی مانند ایران خودرو، کارگران را در گروه‌های بزرگ به جبهه می‌فرستند. در یکی از کارخانه‌ها که به دلیل فقدان مواد اولیه به تعطیلی کشانده شده است، کارگران دست به اعتصاب‌نشسته زدند. سپاه به کارخانه نیرو فرستاد و به کارگران اخطار کرد: "هر کس به جبهه برود حقوقش پرداخت خواهد شد." در کارخانه واگن پارس به کارگران قراردادی گفته‌اند "یا به جبهه بروید یا اخراجید". این جمله و نظایر آن در بسیاری از کارخانجات کشور از زبان کارگزاران رژیم شنیده می‌شود.

رژیم می‌کوشد تا بدین طریق جنگ را برای کارگران یک "رحمت" قلمداد کند و نوعی ارتباط مادی و عاطفی میان آنها و جنگ برقرار سازد. اما کارگران تا آنجا که بتوانند در مقابل اعزام به جبهه‌ها مقاومت می‌کنند و در صورت اعزام اجباری نیز مسلماً تاثیر خود را در جبهه‌ها خواهند گذارد.

یک نمونه از مقاومت کارگران در برابر اعزام اجباری به جبهه‌های جنگ در کارخانه سیمان بهبهان روی داد. در این کارخانه انجمن اسلامی کوشید تا عده‌ای از کارگران را به زور راهی جبهه‌ها کند. ولی هفت نفر از کارگران سرسختانه مقاومت کردند و از رفتن سر باز زدند. این مقاومت آنها به اخراجشان از کارخانه منجر شد. ولی آنها به مبارزه ادامه دادند و به طرق مختلف از جمله شکایت به مراجع مختلف خواهان رسیدگی به اخراج غیرقانونی و بازگشت به کار شدند. از این نمونه‌ها در واحدهای تولیدی و خدماتی کشور زیاد است و دامنه آن هرچه بیشتر گسترش می‌یابد.

رژیم که با فضای مقاومت در کارخانه‌ها روبرو است، به منظور کاهش مقاومت و تغییر وضع مرتب موعظه‌گرائش را به عناوین مختلف به کارخانه‌ها می‌فرستد تا اعتماد کارگران را به رژیم و سیاست ادامه جنگ جلب کند. ولی تیر رژیم در اکثر مواقع به سنگ می‌خورد و نتیجه برعکس می‌دهد. هر بار که موعظه‌گر قصد تشویق کارگران به اسم نویسی جهت اعزام "داوطلبانه" به جبهه را دارد، کارگران به طرق مختلف سخنان او را قطع می‌کنند. در پایان هر یک از این موعظه‌های بی‌ثمر، کارگران - خوشحال از اتحادشان - به هرچه جنگ و جنگ طلب است لعنت می‌فرستند.

در کارخانه پارس متال کارگران در مقابل اعزام اجباری به جبهه اعتراض کردند و سپس دست به اعتصاب زدند. در گمرک جلفا نیز به همین دلیل اعتراض‌های شدیدی از سوی کارکنان صورت گرفت و موجب شد تا عده زیادی از اعزام اجباری رهایی یابند. در عین حال اعزام به جبهه‌ها به صورت یکی از

شرایط استخدامی درآمده است. به نحوی که در برخی کارخانجات هنگام پرکردن برگ استخدامی از کارگران پرسیده می‌شود که آیا آمادگی رفتن به جبهه را دارند یا خیر.

علاوه بر اعزام اجباری به جبهه‌ها، اخذی برای جبهه‌ها بصورت گسترده و به اشکال مختلف وجود دارد. عمومی‌ترین و تا حدی آسان‌ترین شکل اخذی اختصاص مستمر مقدار معینی از درآمد ماهانه کارگران برای جنگ است. این مقدار در برخی کارخانه‌ها یک درصد حقوق و در برخی دیگر یک روز حقوق کارکنان را شامل می‌شود. کارگران می‌کوشند تا از شکل مستمر این اخذی بکاهند. در واحدهایی که این شکل اخذی به شکل مستمر نبوده، کارگران توانسته‌اند مقاومت‌های چشمگیری در جهت کاهش و یا قطع آن به عمل آورند.

از دیگر اشکال اخذی، زدن لیست‌های بلندبالایی از نیازمندیهای جبهه در داخل کارخانه‌ها است که کارکنان باید هر یک لاقط یکی از اقلام آن را تهیه کنند و تحویل انبار انجمن اسلامی دهند. هر از چندی نیز صندوق‌های کمک به جبهه از سوی نهادهای مختلف به داخل کارخانه‌ها آورده می‌شود. البته این غیر از صندوق‌های دائمی اخذی است که در نقاط مختلف کارخانه‌ها نصب شده‌اند.

کارگزاران رژیم در کارخانه‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که نمی‌توانند کارگران را به صورت جمعی سرکبسه کنند، به همین دلیل سعی می‌کنند تا آنها را یک به یک به دفتر انجمن اسلامی بکشانند و از آنها اخذی کنند.

با رشد آگاهی بخشی از نیروهای ارتش و سپاه و بسیج نسبت به بن بست جنگ و کم اثر شدن تبلیغات رژیم در آنها، اخیراً رژیم تلاش می‌کند تا نوعی ارتباط معنوی و عاطفی دوطرفه میان کارگران و جبهه‌ها ایجاد کند. یکی از شیوه‌های رژیم در این مورد، مجبور کردن کارگران به ارسال نامه و کارت برای نیروهای مستقر در جبهه است تا روحیه آنها را تقویت کنند. بدیهی است که تمام این تمهیدات نمی‌تواند رژیم را از بن بستی که در آن گیر کرده است، نجات دهد.

کارگران آگاه و هسته‌های مخفی صنفی باید بکوشند تا آگاهی کارگران و زحمتکشان را نسبت به هدفهای رژیم از ادامه جنگ و عواقب آن، افزایش دهند. این که علت اخراجهای گسترده و تزلزل امنیت شغلی مستقیماً ناشی از ادامه جنگ است، واقعیتی است تردیدناپذیر. این واقعیت را باید به اشکال مختلف توضیح داد و مبارزه کارگران علیه اخراجها را با مبارزه عمومی خلق برای قطع فوری جنگ پیوند زد.

رژیم در حال حاضر برای تبلیغات جنگ طلبانه‌اش سرمایه‌گذاری زیادی کرده است. باید با استناد به موارد مشخص و به طور وسیع این تبلیغات رژیم را خنثی ساخت و عواقب مخرب جنگ را به همگان نشان داد. باید با به یاری گرفتن کارگران اخراجی که حلقه واسط میان طبقه کارگر شاغل و توده عظیم بیکاران هستند، مبارزه برای تامین حق کار و امنیت شغلی را سازمان داد.

رفیق بهروز افشاری * * *

ماموران اطلاعاتی رژیم افتاد تا مدتی پیش از وی هیچ خبری نبود، تا آن که سرانجام نشان او در گورستان عمومی تهران (بهشت زهرا) پیدا شد و آشکار گردید که وی پس از مقاومت قهرمانانه در برابر شکنجه‌گران، در سی و یکم شهریورماه سال پیش، یعنی یک ماه و شش روز پس از دستگیری جان بر سر آرمانهای توده‌ای خود نهاده است.

مسئولان دادستانی در پاسخ به این پرسش که "علت مرگ بهروز چیست؟" گفتند: وی دارای اطلاعات زیادی بود و به پیشنهاد ما برای همکاری با سرسختی و لجاجت پاسخ منفی داد. آنها با وقاحت ادعا کردند که رفیق بهروز در سلول انفرادی با قاشق رگ دستش را قطع کرده و به زندگی خود پایان داده است. حاکمان "شرع" به شیوه مرسوم در ج.ا. با گفتن چنین دروغی کوشیدند تا راز این جنایت خود را در پرده استتار نگهدارند. حال آن که کوس رسوایی آنها نه تنها در داخل کشور، بلکه در همه جهان به صدا درآمده است.

رفیق بهروز افشاری، سی سال پیش در دامان یک خانواده زحمتکش چشم به زندگی گشود. آموزش متوسطه را در یکی از هنرستانهای صنعتی به پایان رساند و پس از گذراندن دوره نظام وظیفه در کارگاههای مختلف کارگری می‌کرد. وی از یک سال پیش از دستگیری راننده شرکت واحد شده بود. پیکار انقلابی او به مثابه یک عضو حزب در تمام سالهای بعد از انقلاب جریان داشت.

مهربانی و صفای او در برخورد با زحمتکشان و سرسختی و استواری اش در برابر دشمنان طبقه کارگر و حزب توده ایران از ویژگی‌های بارز این فرزند فداکار خلق بود.

باشد که زندگی و مبارزه قهرمانانه رفیق بهروز سرمشق زندگی و پیکار مبارزان توده‌ای و ادامه‌دهندگان راه ارضی‌ها و روزبه‌ها و وارطان‌ها و تیزاب‌ها و کی‌منش‌ها و ... قرار بگیرد. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!



حزب کمونیست فیلیپین * * *

دخالتی نداشتیم.

بعدها که خانم آکینو قول فریم‌های دمکراتیک را داد و مردم را به آشتی ملی فراخواند، حزب ما یکی از نخستین سازمان‌هایی بود که به این فراخوان پاسخ مثبت داد. مادرنامه سرکشاده‌ی به آکینو، خاطرنشان ساختیم که از هرگام مثبت او هواداری و باهر اقدام ارتجاعی دولتش مخالفت خواهیم کرد.



از کارخانه‌ها زندگی و رزم کارگران

آسیب‌های جانی و مالی به کارگران اراک

در جریان بمباران کارخانه‌های بزرگ اراک توسط جنگنده‌های عراقی خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به بار آمد. از طریق وزارت صنایع کسب اطلاع شد که تعداد کارگران کشته شده ۱۸۲ نفر است. بیش از ۴۰ نفر از کارگران "واگن‌سازی پارس"، ۴۰ نفر از کارگران آلومینیوم سازی ایران (ایرالکو) و ۸ نفر از کارگران "آدر آب" از جمله کشته شدگان هستند.

در واگن سازی پارس که دارای ۱۷۰۰ نفر کارگر است و در دوشیفت کاری می‌کنند، سالنهای ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ آسیب کلی دید و میزان خسارت وارده ۵۰۰ میلیون تومان تخمین زده شده است.

حادثه بمباران سبب بروز واکنش شدید کارگران و خانواده‌های آنها گردید، بطوری که موسوی نخست وزیر که برای بازدید از کارخانه‌های آسیب دیده و سخنرانی و تشویق مردم برای ادامه جنگ آمده بود، ناگزیر شد که خیلی زود محل مورد بازدید را ترک کند و درجانی موسوم به "مصلح" برای عده معدودی سخنرانی کند. همچنین برای پیشگیری از زهر گونه حادثه احتمالی به کارگران واحدهای آسیب دیده مرخصی تابستانی داده شد.

باز خرید در پالایشگاه نفت تهران

پس از بالا گرفتن شایعه باز خرید شدن عده‌ای از کارگران پالایشگاه نفت تهران، چند نفر کارگر موفق شدند لیست افرادی را که باید باز خرید می‌شدند پیدا و در سطح پالایشگاه منتشر کنند. تصمیم مسئولان سبب برانگیخته شدن خشم و ناراحتی کارگران شده و چشم و گوشه‌ها، رژیم در پالایشگاه در جستجوی کسانی هستند که به انتشار لیست پرداخته‌اند.

کارگران "بنیاد"، بیکاری و...

در اجرای برنامه دولت در زمینه تعطیل کردن کارهای عمرانی، "بنیاد مستضعفان" تصمیم گرفت که بخشی از کارگران و کارمندان خود را با پرداخت پانزده روز حق کاربایی اخراج و بخش مهمی از آنها را در ازای پرداخت یک ماه حقوق در مقابل هر سال سابقه کار باز خرید کند (به کسانی که پایه حقوق آنها از هفت هزار تومان به بالاست حداکثر سالی هفت هزار تومان پرداخت می‌شود).

کارگران که با این تصمیم شدیداً مخالفت

می‌کردند چندین بار بطور جمعی به وزارت کار مراجعه کردند. در پی بحث‌هایی که در جریان تحصنهای مکرر انجام شد، مسئولان وزارت کار به آنها گفتند که باید باز خرید شوید و با طبق ماده ۲۲ با شما رفتار خواهد شد. آنها کوشیدند که حل مسئله کارگران را به عهده کارفرما بگذارند، اما در کار خود موفق نشدند و اخیراً ناچار شدند که موضوع را به هیئت حل اختلاف وزارت کار واقع در پیچ شمیران ارجاع کنند.

در روز هجدهم شهریور ماه حدود صد نفر کارگر در محل هیئت حل اختلاف تجمع کردند و خواهان ملاقات حضوری با رئیس هیئت شدند. لازم به یاد آوری است، بقیه کارگران که حدود ۲۰۰ نفر می‌شدند به علت عدم امکان پرداخت هزینه ایاب و ذهاب نتوانستند به مکانار خود بیرونند.

طبق بخشنامه "بنیاد" قرار بود که به هر یک از کارگران اخراجی ۱۵ روز حقوق بابت حق کاربایی پرداخت شود، اما هیئت حل اختلاف به بهانه این که دولت در حال جنگ است می‌کوشید تا کارگران را امتناع سازد که از دریافت این حق خود خودداری کنند. کارگران زیر بار نرفتند. رئیس هیئت ناگزیر آفتابی شد و پس از ایراد سخنان پر آب و تابی در این زمینه که دولت و رژیم حامی کارگران است، از آنان خواست که متفرق شوند و فعلاً دو یا سه نفر نماینده بمانند. کارگران که دست رئیس را خوانده بودند و در این زمینه تجربه‌های تلخی داشتند بایکدیگر فریاد زدند که تک تک مانع اینده هستیم. کارگران دروغ بودن گفتار رئیس را جع به حمایت دولت از کارگران را افشا کردند و گفتند: شاهها که همین حق کوچک (۱۵ روز حق کاربایی) را از ما دریغ می‌کنید، چطور دم از حمایت از کارگران و زحمتکش می‌زنید؟ یکی از کارگران بپیر شکمش را که در هنگام کار بوسیه آهن پاره دریده شده و چندین بخیه خورد بود به حاضران نشان داد و گفت: این نتیجه حمایت دولت از ماست. ما نمی‌خواهیم بعد از این همه زحمت و زجر کارمان را از دست بدهیم و گدائی کنیم و یا از کسی صدقه بگیریم.

مشکل اخراج و باز خرید همچنان ادامه دارد و بنیاد مستضعفان هر روز با عده‌ای از کارگران تسویه حساب می‌کند. کارگران از شدت تنفر و انزجار دیوارهای توالتها و دستشویی‌ها و راهروها را با شعارهای مرگ بر خمینی ضد کارگر پر کرده‌اند. عوامل رژیم در محل وزارت کار و هیئت حل اختلاف دائماً مشغول پاک کردن شعارها هستند ولی هر روز بر تعداد شعارها افزوده می‌شود.

خطر اخراج و باز خرید کارگران "دی"

شرکت "دی" پیمانکار احداث فرودگاه‌ها، کشور دارای ۸۰۰ تا ۹۰۰ نفر کارگر دائم ساختمانی در شهرهای مختلف مانند تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و... است که هر یک دارای سابقه کار مفیده هجده ساله‌اند. کارگران این شرکت در بدترین

شرایط کاری هستند و بسیاری از آنها از سلامت جسمی بی‌بهره‌اند و پیر و فرسوده شده‌اند. شرکت "دی" پس از انقلاب وابسته به "بنیاد مستضعفان" شد. کارگران این شرکت که تا سال ۱۳۵۱ حق بیمه‌ای که توسط کارفرما از آنها کسر شده به حساب مر بوبه واریز نگردیده است اکنون در خطر بیکاری قرار گرفته‌اند و در صورتی که باز خرید شوند نمی‌توانند بابت همه سابقه کار خود حق باز خرید بگیرند.

در مجمع عمومی صنف خیاط

طبق سنت هر ساله، انتخابات بازرسان تعاونی خیاطان تهران با حضور ۴۵۰ نفر از اعضا در محل اتحادیه خیاطان برگزار گردید. از بین ۱۲ نفر کاندیدا، سه نفر برگزیده شدند. از این ۱۲ نفر کاندیدا، ۵ نفر مربوط به انجمن اسلامی صنف خیاطان بودند که انتخاب نشدند و تنها یکی از آنها ۱۹ رای آورد. در مجمع فوق هنگامی که مسئله تصمیم گیری درباره سود تعاونی - که در یک سال گذشته به یک میلیون و دو صد هزار تومان بالغ می‌شد، مطرح بود - عوامل رژیم با دادن شعار: "هر کس آمریکائی یا اسرائیلی نیست بگوید جنگ چنگ تا پیروزی" برای اختصاص سود تعاونی به جنگ دندان تیز کرده بودند. این سبب شد که ۷۰ نفر به علامت اعتراض سالن را ترک کنند و بین بقیه پرس و اریز کردن با واریز نکردن این پول به حساب جیبه بحث در بگیرد. در چو اراعاب و وحشتی که به وجود آمده بود گروهی از اعضا ناچار شدند که سهمیه سود خود را به حساب یاد شده بریزند. یکی از اعضا تعاونی در مقابل این سؤال که وضع شادتر شرایط کنونی چگونه است، گفت: سال قبل صنف ما از محل کسر کردن ۲ درصد سود برای تعاونی، دو میلیون و سیصد هزار تومان انبوه داشته و این رقم امسال به یک میلیون و دو صد هزار تومان یعنی کمی بیشتر از نصف رسیده است. این تصور روشنی از وضعیت عمومی صنف خیاطان، بویژه اعضا تعاونی است.

تلگرام ویژه به "مالی بل"

تلگرامی به مضمون زیر به اداره حراست کارخانه "مالی بل" مخابره شده است:

۱ - کارگران آن کارخانه نظرشان راجع به جمهوری اسلامی چیست؟

۲ - نظر مدیریت کارخانه راجع به جمهوری اسلامی چگونه است؟

۳ - کارگران راجع به تعطیل شدن کارخانه‌ها، از جمله "زامیاد" چگونه فکر می‌کنند و پیش بینی می‌کنند که چه عکس العملی نشان بدهند؟

لطفاً موارد فوق را گزارش کنید.

- ارسال این تلگرافها به کارخانه‌ها نشانه هراس رژیم از مقاومت کارگران است.

*

طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز!

حزب کمونیست فیلیپین:

از هر گام مثبت آکینو پشتیبانی و با هر اقدام ارتجاعی او مخالفت

می‌کنیم

در زیر، بخشی از مصاحبه ساموئل ول روساریو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین، با "گاردین"، ارگان حزب سوسیالیست استرالیا، از نظر خوانندگان "نامه مردم" می‌گذرد.

پرسش: مناسبات حزب کمونیست فیلیپین با دیگر نیروهای چپ فیلیپین چگونه است؟

پاسخ: حزب کمونیست فیلیپین خواستار تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی و استقلال راستین سیاسی و اقتصادی است. ما بویژه پس از سرنگونی رژیم مارکوس با بسیاری از نیروهای چپ و مترقی مناسبات خوبی برقرار کرده‌ایم. بنظر من، گرایش بسوی اتحاد نیروهای گوناگون چپ است. لازم است، دستاوردهای دمکراتیکی را که در دوران حکومت آکینو از آن خود ساخته‌ایم، تحکیم بخشیم. نباید از یاد برد که محافظه کاران هنوز دارای مواضع استواری هستند و نیروهای چپ وظیفه دارند، تا با اتحاد خود کوشش‌های واپسگرایانه آنها را عقیم گذارند.

پرسش: بزرگترین دستاوردهای دمکراتیک فیلیپین تا کنون کدام بوده است؟

پاسخ: نخست آنکه، خانم آکینو همه زندانیان سیاسی را آزاد ساخته است. دوم آنکه، اینک درباره همه فرمان‌های سربوگرانه مارکوس تجدید نظر می‌شود و خانم آکینو الغای این فرمان‌ها و وضع قوانین جدید را برای تحکیم دمکراسی تعهد کرده است. البته این دمکراسی، دمکراسی خانم آکینو و ایالات متحده است. ولی واقعیات سیاسی خود را بر خانم آکینو تحمیل خواهند کرد. باید او را زیر فشار قرارداد.

اکنون کلیسای کاتولیک غالب ترین نیروی کشور است. فزون بر این، ارتش و امپریالیسم ایالات متحده هنوز از قدرت چشمگیری برخوردارند. اینها عواملی است که خانم آکینو باید روی آنها حساب کند.

پرسش: نظر آکینو درباره پایگاه‌های ایالات متحده چیست؟

پاسخ: در جریان مبارزه انتخاباتی، آکینو خواستار تعطیل این پایگاه‌ها بود، اما هنگامی که پرچمدار حزب مخالف شد، موضع خود را تغییر داد و گفت، این پایگاه‌ها حداقل تا سال ۱۹۹۱ باید برجای بماند و سپس "درباره این موضوع تصمیم گرفته خواهد شد". اما رویدادهای کنونی نشان می‌دهد که پایگاه‌های یادشده حتی پس از سال ۱۹۹۱ ماندنی خواهند بود. کاسپار واین برگر، وزیر دفاع ایالات متحده، در دیدار چندی پیش خود از فیلیپین در اینباره اظهار خوشبینی کرد.

پرسش: نقش ارتش و رهبران آن، بویژه آنانکه

جبهه مارکوس را ترک کردند و به دولت کنونی پیوستند، چگونه است؟

پاسخ: من این سؤال را به فراخوان خانم آکینو ربط می‌دهم که شورشیان مسلح از تپه‌ها پائین بیایند و به مبارزه مسلحانه خود پایان بخشند. یکی از عللی که این مسئله را دشوار می‌سازد این است که شورشیان از جمله، وزیر دفاع، و ژنرال راموس، رئیس ستاد ارتش را بعنوان همکاران نزدیک و دیرینه مارکوس می‌شناسند. شورشیان "ارتش نوین خلق" و دیگر گروه‌های مسلح به این دو اعتماد ندارند، چه بسیاری از همزمانشان در گذشته درست بدست همین‌ها کشته شدند. اکنون، نظامیان اظهاراتی می‌کنند که با روند استقرار دمکراسی آکینو چندان همسویی ندارد. اخیراً یکی از رهبران نظامی رنه ساگوئی ساک، سخنگوی ریاست جمهوری، را به نزدیک بودن به کمونیست‌ها متهم و آشکارا فرمان قتل او را صادر کرد.

پرسش: آیا اصلاحات ارضی در حال اجرا و یا در تدارک هست؟

پاسخ: گرچه خانم آکینو قول داده که املاک خود را میان دهقانان تقسیم کند، ولی تاکنون سیاست خود را در زمینه اصلاحات ارضی مشخص نساخته است.

پرسش: "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" درباره کشورتان چه نقشه‌هایی دارند؟

پاسخ: در زمان مارکوس باصطلاح "برنامه نوسازی اقتصاد ملی" "صندوق بین المللی پول" آغاز شد. هدف آن بود که فیلیپین بتواند بدهی خارجی ۲۰ میلیارد دلاری خود را بپردازد. خانم آکینو این برنامه را با تحقیقاتی ادامه می‌دهد.

"صندوق بین المللی پول" اکنون حاضر است، که بازپرداخت این بدهی را تمدید کند و وام‌های جدیدی نیز به دولت بپردازد.

بنابراین مسئله بازپرداخت بدهی غول آسا هنوز باقی است و معلوم نیست که خانم آکینو چگونه از این وام‌رهای خواهد یافت.

پرسش: جنبش سندیکایی فیلیپین چه نیروهایی دارد؟ پاسخ: بدبختانه جنبش سندیکایی فیلیپین یکپارچه نیست. بیش از صد فدراسیون سندیکایی نه تنها با یکدیگر متحد نیستند، بلکه با هم رقابت می‌کنند. این نوع سندیکالیسم را آمریکائی‌ها در سال‌های ۵۰ پایه ریزی کردند و هنوز هم به آن شکل باقی است.

البته چندی پیش شاهد رویدادهای مهمی بودیم. برای نخستین بار از سال‌های ۵۰ به اینطرف بزرگترین سندیکاها حاضر شدند، تا صرفنظر از اختلاف‌های ایدئولوژیک خود مراسم اول ماه مه را مشترکاً برگزار کنند و از خانم

آکینو نیز بعنوان سخنران میهمان دعوت گردید.

فزون بر این، چندین سندیکای بزرگ، که ۸۰ تا ۹۰ درصد زحمتکشان در آنها متشکل شده‌اند، در زمینه تغییر قانون کار کنونی به توافق رسیده‌اند. این گامی است بس مهم بسوی وحدت.

پرسش: دهقانان، که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، چطور؟

پاسخ: دهقانان هم اتحادیه‌های خود را دارند، ولی بطور عمده در یک جا، در جزیره "لوزون"، متمرکز شده‌اند. "فدراسیون کشاورزان آزاد" - که بزرگترین اتحادیه دهقانی است - مواضع محافظه کارانه‌ای دارد و وارد سیاست نمی‌شود. اما دوسه سازمان دهقانی کوچکتر داریم که رزمجو و مترقی هستند.

از سوی دیگر در روستاها دیگر گونی‌های سریعی مشاهده می‌شود و مناسبات نیمه فئودالی جای خود را به شکل‌های استثمار سرمایه‌داری می‌دهند.

پرسش: وضع خود حزب چگونه است؟

پاسخ: ما پیش از اعلام حکومت نظامی در سال ۱۹۷۲ گروه نظامی و سازمان‌های توده‌ای نیرومندی - در میان دهقانان، زنان، جوانان و کارگران داشتیم. حکومت نظامی ضربه سنگینی به ما وارد آورد. بسیاری از کادرهای ما کشته و یا دستگیر و سازمان‌های توده‌ای مان تقریباً نابود شدند. بعدها مارکوس مردم را به وحدت ملی فراخواند. دولت از طریق فرستادن گانش از ما خواست که مواضع انترناسیونالیستی خود را رها کنیم، تا باردیگر بتوانیم اجازه فعالیت قانونی داشته باشیم. اما حزب زیر بار نرفت (و علیرغم خواست مارکوس) پس از مدتی توانستیم سازمان‌های توده‌ای خود را بازسازی کنیم. اکنون شماره اعضا و کادرهای ما رو به افزایش است.

پرسش: موضع حزب شما در انتخاباتی که به پیروزی آکینو انجامید، چگونه بود؟

پاسخ: پیش از انتخابات ریاست جمهوری در فوریه، موضع حزب این بود که در انتخابات شرکت کنیم، ولی نه به مارکوس و نه به آکینو رای ندهیم. علت این بود، که این دو بجای آنکه به مسائل کشور، از جمله بدهی سنگین، پایگاه‌های نظامی آمریکا و بیکاری بپردازند، ضعف یکدیگر را یادآور می‌شدند. شرکت ما در انتخابات بمنظور افشاکری ضد امپریالیستی بود. ما در به اصطلاح "انقلاب برق آسیا" ۲۲ تا ۲۵ فوریه که اکیونرا بروی کار آورد، هیچ گونه بقیه در ص ۶

کمک‌های مالی رسیده:

کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی جمع آوری شده در جشن عروسی در استکهلم ۲۱۰۰ کرون

NAMEH
MARDOM
No. 129

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

20 November 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است